

والفناين مبارک



با خوشحالی و مسرت به اطلاع عموم می‌رساند: برنامه تلویزیونی **سیمای مسیح** هم اکنون، هر چهارشنبه و پنجشنبه در تلویزیون محبت.

آدرس اینترنتی

www.Mohabat.tv

www.SimaMasih.com

فرکانس این کانال در خاورمیانه، اروپا و ایران بر روی ماهواره

Hot Bird 6 Xp: 130

Downlink Freq: 11117

Downlink Polarity: V

Symbol Rate: 27500

FEC: 3/4

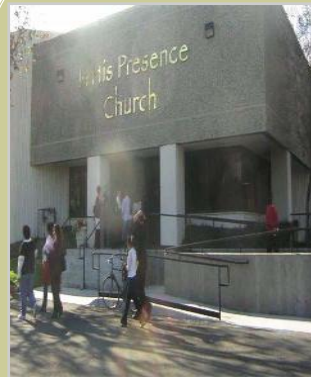
ماهنامه تبدیل

سال دوم، شماره ۱۶، فوریه ۲۰۰۷

اگر مایل هستید که ماهنامه تبدیل را بطور مرتب و ماهانه دریافت کنید با دفتر ما تماس بگیرید.

بهمن - اسفند ۱۳۸۵

Sun	Mon	Tue	Wed	Thu	Fri	Sat
				1	2	3
				۱۲	۱۳	۱۴
4	5	6	7	8	9	10
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
11	12	13	14	15	16	17
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
18	19	20	21	22	23	24
۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵
		اسفند				
25	26	27	28			
۶	۷	۸	۹			



کلیسای سفیران مسیح، از شما فارسی زبانان عزیز دعوت بعمل می‌آورد تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر یکشنبه ساعت ۳ بعدازظهر برگزار می‌گردد حضور بهم رسانید.

21300 Califa St. (between De Soto & Canoga) Woodland Hills, CA 91367

تلفن اطلاعات: ۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)

مُهلت قبول آگهی در ماهنامه تبدیل، بیستین (۲۰) روز هر ماه می‌باشد. جهت درج آگهی بازرگانی خود در ماهنامه تبدیل با شماره تلفن ۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸) تماس حاصل فرمایید

نوروز باستانی خجسته باد



با ما به پیشواز بهار بروید. جشن نوروز در کلیسای سفیران مسیح

لطفاً برای اطلاعات بیشتر و رزرو جا با این شماره تلفن

تماس حاصل نمایید

۸۱۸ . ۵۲۲ . ۱۵۲۵



آیا مایل به دریافت کتاب مقدس به زبان فارسی هستید؟

لطفاً با دفتر ماهنامه تماس بگیرید.

عیسی کیست؟

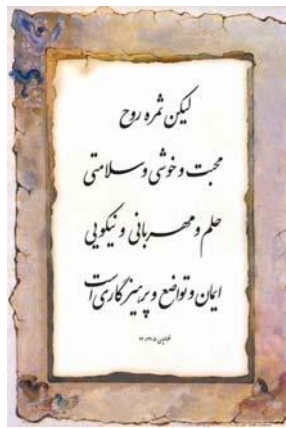
برجسته‌ترین شخص در تمام ادوار؟



کسی که نیکوترین اعمال را برای بشریت انجام داد شخصیتی که مقدس زندگی کرد. هرگز کسی همانند او نزیسته است. امروزه به هر جای دنیا که بروید، با پیروان هر مذهبی که صحبت نمایید، صرف نظر از اینکه چقدر نسبت به مذهب خویش متعهد می‌باشند، اگر اطلاعاتی درباره تاریخ داشته باشند، باید بپذیرند که هرگز کسی مانند عیسی وجود نداشته است. او مسیح تاریخ را تغییر داد... برای دریافت رایگان این فیلم با دفتر ماهنامه تماس بگیرید

The Change Paper

P.O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



تبدیل یک زندگی

الناتان باغستانی در یک خانواده ناراحت جلوی سینما ایستاده بودم، متوسط و ساده جامعه متولد شدند. ایشان ناگهان متوجه شدم که شخصی مرا دوران کودکی خود به این شکل بیان می کنند: پدرم بیشتر اوقات خود را با مشروب و وقت گذراندن با دوستان خود روزگار را سپری می کرد. ایشان خواهری کوچکتر از خود نیز داشتند و غیر از این دو سه برادر و خواهر دیگر نیز به دنیا آمدند ولی یکی بعد از دیگری به دلایل مختلف فوت کردند.

البته همه مشکلات این خانواده به اینجا ختم نشد. چون اتفاق غیر منتظره دیگری هم برای آنها رخ داد. موضوع از این قرار بود که در سال ۱۹۷۸ پدر و خواهر ایشان در یک حادثه تصادف اتومبیل در یکی از جاده های شمال ایران جانشان را از دست دادند. این حادثه مانند انفجار بمبی که همه چیز را ویران می کند ضربه ای شدید و جبران ناپذیر به این خانواده وارد کرد. او می گوید: در پی این حادثه رفته رفته همه اقوام مرا مادری داغ دیده، برادری که بیمار بود و دو سال بیشتر نداشت، تنها گذاشتند. در پی آن مادر بزرگ ما نیز بر اثر آن همه فشار و ناراحتی جلوی چشمهایمان سکنه کرد و مرد.

در این اثناء یکی از دوستان الناتان آدرس یک سازمان مسیحی را به او داد؛ این سازمان با علاقمندان مکاتبه می کرد و دروس و مطبوعات مسیحی را در اختیار آنان قرار می داد. او میگوید: من هم مایل شدم با آنها مکاتبه کنم و آنها نیز مرتباً دروسی را برای من ارسال می کردند. با اینکه تمام درسها و کتابها بطور واضح از محبتی سخن می گفتند که خدا نسبت به انسانهای گناهکار دارد ولی من آنها را درک نمی کردم. هر چند که هنوز پیام محبت خدا را درک نکرده بودم ولی خداوند مهربان فرصتی دیگر بخشید تا از محبت او در حق من باخبر شوم. موضوع چنین بود که در سینماهای شهر، فیلم عیسی ابن مریم را نمایش می دادند. چون مردم از این فیلم تعریف می کردند و صف های بلندی برای خریدن بلیط تشکیل می دادند من نیز تصمیم گرفتم به دیدن این فیلم بروم. آن روز هم جلوی درب سینما شلوغ بود و من موفق نشدم بلیط بخرم. تقریباً همه به داخل سینما رفته بودند، من نا امید و دهم، ادامه در صفحه آخر...



پولس رسول به خدا التماس کرد که ناراحتی های جسمی او را بردارد. اما خدا به او گفت: فیض من تو را کافی است. قوت من در ضعف کامل می شود، بنابراین این پولس می گوید: به شادی بسیار از ضعف های خود بسیار فخر خواهم نمود. تا قوت مسیح در من ساکن شود. دوم قرنتیان ۱۲: ۹ و ۱۰ پولس ترجیح می داد که در مشکلات باشد و ایمان او به مسیح پا برجا بماند. تا اینکه بدون مسیح در زندگی جسمانی راحت باشد.

همسایه خود را محبت نما

کسانی که به زندگی دیگران نور به ارمغان می آورند، نمی توانند خود را از آن محروم شوند. عیسی اعمال نیکو بجا می آورد. بنابراین توانست در شب دستگیریش سرود بخواند. از مردم انتظار لبخند نداشته باشید. اگر کسی را می بینید که لبخند نمی زند، شما به او لبخند بزنید. جمع کثیری از مردم از عیسی پیروی می کردند، چراکه از ایشان انتظار نداشت با اندوه عظیمش همدردی کنند. برعکس او بود که با ایشان در غمهایشان همدردی میکرد. اگر کسی به شیوه ای رفتار میکند که پرایتان خوشایند نیست، خشمگین مشوید. ممکن است که او نوایی دگرگون شنیده باشد و مطابق آن راه میرود. هر یک از شما نوایی دل انگیزتر بشنود. شاید که نحوه گام برداشتنش دگرگون شود.

آیا می دانستید که دود سیگار موجود در محیط بیشتر از مصرف مواد قندی در پوسیدگی دندانهای کودکان نقش دارد.

کتاب را تفتیش کنید.

انجیل یوحنا ۵: ۳۹



سرمقاله

یاران گرامی، درودهای گرم مرا در این روزهای سرد زمستانی بپذیرید. فکر می کردم به بهانه روز والتاین، خوب است چند کلامی در باره آن بنویسم. عشق و محبت جزو اولین کلماتی است که هر یک از ما آن را از زمان طفولیت شنیده و لمس کرده ایم. در طی همه این سالها محبت را به طرهای مختلف شناخته و در باره آن تفکر کرده ایم. گاهی عاشق شده و گاهی محبت شده ایم. من اعتقاد دارم عشق یک موهبت الهی و مقدس است؛ چرا که کتابمقدس به ما اعلام میدارد که خدا محبت است. آری خدا خود سراسر عشق و منبع محبت است. از اینرو است که هر ذی بشری کم یا زیاد در وجود خود عشق را تجربه می کند. خداوند عشق خود را بطرق مختلفی به ما ارزانی داشته است، با آفرینش ما، برآورده کردن نیازهای ما و غیره. اما کمال عشق از طرف خدا در مسیح و عمل نجاتبخش او بر روی صلیب ظاهر می شود. او اقتدر بشر را دوست دارد که با وجود سرکشی و عصیان، نه فقط مطابق اعمال او با او رفتار نکرد بلکه راه نجات از گناه و حیات جاودان را از طریق مسیح او مهیا کرد. همزبانان عزیز، آیا عشق و محبت خدا را در زندگی خود تجربه کرده اید؟ تنها کافست در قلب خود را بروی خدا باز کنید و محبت پدرا نه او را ببخشید. من در همینجا از مصمم دل این روزها برای شما و عزیزانتان مبارک می خوانم.

الناتان باغستانی، لس آنجلس فوریه ۲۰۰۷

حمایت مالی شما از ماهنامه تبدیل باعث رشد آن خواهد شد.

ماهنامه تبدیل

The Change

مدیر مسئول: الناتان باغستانی

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

Tabdil@iranforchrist.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda
CA, 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.

عشق از زبان بچه های ۴ تا ۸ سال

در هوای بساط شیطان ...

دیروز شیطان را دیدم. در حوالی میدان. بساط خود را پهن کرده بود. فریب میفرودخت. مردم دورش جمع شده بودند. هیاهو می کردند و هول میزدند و بیشتر میخواستند. داخل بساط او همه چیز بود: غرور، حرص، دروغ و خیانت، جاه طلبی و قدرت... هر کس چیزی می خرید و در ازای آن چیزی می داد.

به خانه آمدم و در جعبه کوچک عشق را باز کردم. اما داخل آن جز غرور



چیزی نبود جعبه عشق دروغی از دستم افتاد و غرور داخل اتاق ریخت. فریب خورده بودم...

شیطان می خندید و دهانش بوی جهنم می داد. از او نفرت داشتم. انگار که ذهنم را خوانده باشد. موزیانه خندید و گفت: من که کاری با کسی ندارم! فقط گوشه های بساطم را پهن کرده ام و آرام نجوا میکنم. نه قیل و قال می کنم و نه کسی را مجبور می کنم از من چیزی بخرد. مبینی که آدمها خودشان دور من جمع شده اند! جواش را ندادم. آنوقت سرش را نزدیکتر آورد و گفت: البته تو با همه اینها فرق میکنی! تو عاشقی، و قلب عاشق کلیدی ندارد. اینها گرسنه و ساده اند. بجای هر چیزی فریب میخورند. گذاشتم حرف بزنند و مدام خدا را شکر!

AfghanSearch.com
Your Search Ends Here...
www.AfghanSearch.com

عیب نرندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

*عشق وقتی که سگت می پره بقلت و صورتت را لیس می زنه حتی اگر تمام روز تو خونه تنهاش گذاشته باشی. مری - ۴ ساله

*می دونم که خواهر بزرگترم منو خیلی دوست داره بخاطر اینکه تمام لباسهای قدیمی خودشو می ده به من و خودش مجبور می شه بره بیرون تا لباسهای جدید بگیره. لورن - ۴ ساله

*دوست داشتن اون وقتی هست که مامان صدای بابا را موقع دستشویی می شنود ولی بنظرش چندش آور نمی آد. مارک - ۶ ساله

و بالاخره دست آخر؛ در رقابتی که هدف آن پیدا کردن مسئول ترین بچه بوده، پسر بچه ۴ ساله ای برنده می شود. همسایه دیوار به دیوار این آقا پسر یک مرد مسن بود. این آقا به تازگی همسر خودش را از دست داده بود. پسر بچه وقتی پیرمرد را تنها در حال گریه کردن دید، به حیاط خانه پیرمرد وارد می شود و او را در آغوش میگیرد و همانجا می ماند، وقتی مادرش از او می پرسد که چه کار کردی؟ می گوید که هیچی من فقط او کمک کردم تا راحت تر گریه کند!

همیشه شنیدن حرفهای کودکانه برای بزرگترها شیرین و سرگرم کننده بوده، اما گاهی هم شده که با شنیدن سخنی از کودکی یادآور این ضرب المثل شده ایم که سخن راست را باید از بچه ها شنید! گروه متخصص و محقق در یک تحقیق سوالی را از گروهی کودک خردسال پرسیده بودند که پاسخی که بچه ها دادند عمیق تر و متفکرانه تر از تصورات بود، سوال این بود...

معنی عشق چیست؟



*مادر بزرگ من از وقتی آرتروز گرفته نمی تونه خم بشه و ناخنهایش را لاک بزنه پدر بزرگم همیشه این کار را برایش می کنه حتی حالا که دستهای آرتروز گرفتن، این عشقه. زبکا - ۸ ساله

*وقتی کسی شما را دوست داره، اسم شما را متفاوت از بقیه می گوید. وقتی او شما را صدا می کنه احساس می کنی که اسمت از جای مطمئنی به زبون آورده شده. بیلی - ۴ ساله



*عشق وقتی که شما برای غذا خوردن می رین بیرون و بیشتر سبب زمینی سرخ شده خودتون را می دهید به دوستتون بدون اینکه از او انتظار داشته باشید که کمی از غذای خودش بده به شما. کریستی - ۶ ساله



*عشق یعنی وقتی که مامان من برای بابام قهوه درست می کنه و قبل از اینکه بدش به بابا امتحانش می کنه تا مطمئن بشه که طعمش خوبه. دنی - ۷ ساله

*عشق اون چیزی که لیخند را وقتی که خسته ای به لب ت مباره. تری - ۴ ساله



*اگه می خواهی دوست داشتن را بهتر یاد بگیری، باید از دوستی که بیشتر از همه از ش متفتری شروع کنی. نیکا - ۷ ساله

*عشق مثل یک پیرزن و پیرمرد کوچولو می مونه که هنوز با هم دوست هستن حتی بعد از اینکه همدیگر را خیلی خوب می شناسن. تامی - ۶ ساله

*مامانم منو بیشتر از هر کس دیگه ای دوست داره چون هیچکس دیگه ای شبها منو نمی بوسه تا خوابم ببره. کلر - ۶ ساله

*عشق اون موقعی هست که مامان بهترین تیکه مرغ را میده به بابا. الین - ۵ ساله

*وقتی شما کسی را دوست دارید موقع حرکت از مژه هاتون ستاره های کوچولویی خارج می شن. کارل

حق نام دیگر من است...

افسانه ای است که می گوید پیش آن که انسان پا بر زمین بگذارد؛ خداوند تکهای خورشید و پاره ای ابر به او داد و فرمود: ای انسان زندگی کن و بدان که در آزمون زندگی این ابر و این خورشید فراوان به کار تو می آید! انسان نفهمید که خدا چه می گوید پس از خدا خواست تا گره ندانستن او را قدری باز کند. خداوند گفت: این ابر و این خورشید ابزار کفر و ایمان تو می باشد. اگر حق را پوشانی نام تو در زمره گناهکاران خواهد آمد. انسان گفت: من جز روشنگری به زمین نمی روم و می دانم این ابر هیچگاه به کارم نخواهد آمد. انسان به زمین آمد. اما هر گاه حق را پیش روی خود دید چنان هراسان شد که خورشید از دستش افتاد. حقیقت تلخ بود. حق دشوار بود. حق سخت و سنگین بود. انسان حق را تاب نیاورد. پس هر بار که با حقیقتی رو به رو می شد آن را می پوشاند. تا زیستن خود را آسان کند.

فرشته های گریستند و می گفتند: حق را نپوشان! حق را نپوشان! این کفر است! اما انسان هزاران سال بود که صدای هیچ فرشته ای را نمی شنید. انسان کفران کرد و کفر ورزید و جهان را ابرهای کفر پوشاند. روزی انسان به نزد خدا باز خواهد گشت و خدا خواهد گفت: زبان کردی، گناه کردی. زیرا که حق نام دیگر من بود! چنانچه عیسی فرمود: من حق هستم و بسیاری او را رد کرد. تا زمانیکه فرصت داری او را در قلب خود بپذیر، زیرا که امروز روز نجات است.